

ویژگی‌های تاریخی و مولفه‌های جامعه شهری ایران در اواخر دوره ساسانیان*

اللهیار خلعتبری^۱ عباس پرتوی مقدم^۲

چکیده

شهرنشینی در ایران دوره ساسانیان تحول و تکامل شگرفی یافت. اگرچه شهر و شهرنشینی در این دوره ریشه در دوره‌های گذشته داشت، اما شهر ساسانی هم از نظر کالبد شهری و هم از نظر کارکرد دوره‌ای از تحول و توسعه و تکامل را تجربه کرد و بخش‌هایی به آن افزوده شد. تحول شهر ساسانی معلول عواملی چند بود که در مقاله حاضر از چهار منظر عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در این تحول مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ از این رو هدف این پژوهش تبیین ویژگی‌های تاریخی و تحلیل عناصر اصلی جامعه شهری در عصر ساسانی از منظر نقش و تأثیر روند سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر شکل‌گیری و تحول الگوی شهرنشینی و مناسبات جامعه شهری است. بررسی این مسأله از راه تبیین و روش تحلیلی تاریخی نشان می‌دهد که شهر ساسانی با حوزه سیاسی و نظامی و حکومت مرکزی وابستگی و پیوستگی عمیق‌تری نسبت به گذشته یافت. همچنین جامعه شهری و کالبد شهر ساسانی تحت تأثیر جهان‌بینی، آموزه‌های دینی و آرمان‌های اجتماعی آن دوره قرار داشت. واژگان کلیدی: شهر، شهرنشینی، جامعه شهری، ساسانیان.

Historical Characteristics and Elements of Urban Society of Iran in the Late Period of Sassanid

Allahyar Khalatbari³

Abbas Partovi Moghadam⁴

Abstract

Urbanism in Iran in Sassanid period have a considerable evolution. Although urbanism in this period has its root in previous periods, but the Sassanid city from city body point of view and periodical function has experienced an evolution and development and some parts was added to it. There are some factors which influenced on urban development of Sassanid city and in this paper 4 of dimensions of it namely political, social, cultural and economical factors which are influential in this evolution has been studies; therefore, the aim of this paper is to describe historical characteristics and analyze the main elements of the urban society of Sassanid period from the point of view of role and effect of political, social, cultural and economical trends which have influential in this regard. Studying this matter by describing and historical analysis shows that Sassanid city with political, military and central government domain has found a deeper consistency comparing to the past periods. Also the urban society and the body of the Sassanid city has been under the influence of religious teachings, social ideals and worldview of that period.

Key words: city, urbanism, urban society, Sassanid.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۳۱

۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

۲. دکتری تاریخ از دانشگاه شهید بهشتی

3. Professor of History in Shahid Beheshti University.

4. Ph.D in History, Shahid Beheshti University. Email: abbas.partovi@yahoo.com

مقدمه

شهرسازی و شهرنشینی در دوره ساسانیان بر پایه تجربه‌های پیشینی و متأثر از شرایط، ضرورت و نیازهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، شتاب فزاینده‌ای گرفت و به طور چشم‌گیری بر شمار شهرها و جمعیت شهرنشین افزوده شد. این پدیده به ظهور و قوام جامعه شهری توانمندتری نسبت به گذشته انجامید. بررسی کم و کیف زندگی شهری و تأمل در عناصر و ویژگی‌های جامعه شهری در دوره ساسانی به دلایلی اهمیت و ضرورت دارد: از یک سو جامعه شهری در آن دوره نقش مؤثر و سازنده‌ای در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایفا کرد و بدون تبیین ویژگی و ابعاد تاریخی آن، فهم ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن عصر دشوار است؛ از سوی دیگر بازخوانی روند گذار جامعه ایرانی از عصر باستان به دوره اسلامی، بدون توجه به عناصر و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شیوه‌های زیست و تولید در عصر ساسانی، از جمله الگوی زندگی شهری و سطوح رشد و تکامل مناسبات شهرنشینی آن دوره، به نتیجه دلخواه و مطلوب نخواهد رسید.

بازخوانی مؤلفه‌های اساسی جامعه شهری، به منزله بررسی نسبت جمعیت شهرنشین به غیر شهرنشین، شکل آرایش، ترکیب و کارکردهای متنوع و متفاوت جامعه شهری و توزیع جغرافیایی شهرنشینان، در گرو فهم الگوی زندگی شهری است. این الگو خود برآیندی از مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و ساختارهای حاکم بر فضای اجتماعی در هر دوره تاریخی است. عوامل متعددی بر مناسبات شهرنشینی و الگوی مسلط زندگی شهری در دوره ساسانی تأثیرگذار بوده است. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه آن عصر و آموزه‌های اعتقادی و آرمان‌های جمعی ایرانیان؛ در این مقاله کوشش می‌شود تا از طریق بررسی و تحلیل این عوامل، الگوی زندگی شهری و عناصر اصلی جامعه شهری ایران در دوره ساسانیان، مورد بازشناسی قرار گیرد.

جامعه شهری ایران پیش از زمامداری ساسانیان

دیاکو بنیان‌گذار حکومت ماد، پس از رسیدن به قدرت، دژ همگتانه را ساخت و به گفته هرودوت به دیگر مردمان دستور داد بیرون از حصارها سکونت کنند.^۵ در واقع حکومت ماد موجودیت و حضور خود را با تأسیس دژ اعلام کرد. این شهر - دژ هسته اصلی شهر ایرانی شد. شهری که در آغاز

۵. هرودوت، تاریخ هرودوت، ج ۱، ترجمه، مقدمه، توضیحات و حواشی هادی هدایتی (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۶)، ص

ویژگی‌های تاریخی و مولفه‌های جامعه شهری ایران در اواخر دوره ساسانیان / ۵۱

تنها قلعه‌ای مستحکم بر فراز تپه یا مکانی سوق‌الجیشی بود و در آن سوی باروهای بلندش نقاط زیست کوچک و بزرگ روستایی و عشایری قرار داشتند. دژ مکانی بود که ساکنان آن به حاکم، خانواده و خدمتگزاران و معدودی کارگزاران حکومتی منحصر و محدود می‌شد و دیگر افراد را به درون آن راهی نبود. اما این گروه کم‌شمار از طریق همین استقرارگاه (شهر - دژ) نفوذ خود را تا سرزمین‌های دور دست گستراند و بر هر دو جامعه روستایی و ایلی مستقر در پیرامون خود تسلط پیدا کرد. دژ علاوه بر تأمین امنیت مناطق تحت نفوذ خود، تمشیت و ساماندهی روابط و مناسبات مادی و معنوی ساکنان تابع را نیز عهده‌دار شد. بنابراین شکل‌گیری توأمان شهر و دولت، پدیده‌ای اتفاقی در تاریخ شهرسازی و شهرنشینی ایران نبود.

قوم پارس نیز با بنای شهر - قدرت پاسارگاد موجودیت و استقلال سیاسی خود را آشکار کرد. با حاکمیت این قوم بر قلمرو ماد و سرزمین‌های وسیعی در درون و بیرون فلات ایران، تجربیات شهرسازی و شهرنشینی غنای بیشتری یافت. بدین ترتیب هم شهرهای جدیدی پایه‌گذاری شدند و هم زیستگاه‌های پیشین بسط و توسعه پیدا کردند و تبدیل به شهر شدند؛ زیرا سرزمین‌های متصرفی و ساکنان آنها، مانند بین‌النهرین، آسیای صغیر و نواحی شرق دریای مدیترانه تجربه تکامل یافته‌تری از حیات شهری را پشت سر گذاشته بودند. افزون بر آن ساختار تمرکزگرای حکومت هخامنشی مستلزم حضور دیوانیان و نظامیان در سرتاسر سرزمین‌های تابع هخامنشیان بود و چون شهر مقام همیشگی این اقشار بود، در نتیجه شهر به عنوان کرسی حکومت و مقر پادگان‌های نظامی و جایگاه اقامت نمایندگان حکومت مرکزی نقش و اهمیت دوچندانی یافت و قانونی برای اعمال حاکمیت متمرکز پارسیان در ساتراپ‌ها شد. همچنین امنیت نسبتاً پایدار، ایجاد و توسعه مسیرهای ارتباطی در سرتاسر امپراتوری و نیاز و تقاضای دستگاه دیوانی و نظامی به مصرف کالاهای تجملی، گشایش و گسترشی را در حوزه اقتصاد شهری و به ویژه در بخش فعالیت‌های بازرگانی پدید آورد که پیامد آن رونق شهرنشینی و بسط جامعه شهری در آن دوره بود. مراکز و تأسیساتی مانند تجارتخانه‌ها، محل‌های مبادله، صنایع کارگاهی و ایستگاه‌های اقامت کاروانیان در شهرها - اغلب در کنار دروازه - شکل گرفت.^۶ از آنجایی که شهر هخامنشی امور معنوی نواحی پیرامونی خود را نیز نظارت و سامان‌بخشی می‌کرد، رهبران دینی و کارگزاران نهاد دین در شهر مقام گرفته بودند.

۶ وینست فرانسیس کاستلو، شهر و شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی (تهران: نی، ۱۳۶۸).

کالبد و سازمان فضایی شهر توسعه محسوسی نسبت به دورهٔ مادها یافت و بر شمار شهرنشینان افزوده شد. کالبد شهر ایرانی در دورهٔ هخامنشی عموماً مرکب از دژ (ارگ: کهندژ) و شارستان بود. سازمان فضایی کهندژ را مجموعه‌ای از کاخ‌ها، معابد، دیوان‌ها، تأسیسات نظامی (پادگان و اسلحه‌خانه) و انبار آذوقه تشکیل می‌داد. بر گرد کهندژ، مجموعه‌ای از فضاها، مسکونی و اداری برای اقامت و فعالیت کارگزاران حکومتی و خدمه آنان شکل گرفت؛ جایی که بعدها به شارستان معروف شد و هر دو قسمت در حصار از باروهای عظیم قرار داشت. شهر هخامنشی جایگاه نهادهای حکومتی و مستقر هیأت حاکمه و خواص وابسته به حکومت بود، که طبقه یا لایه‌های اجتماعی برتر و ممتاز را تشکیل می‌دادند. هنوز عامه مردمان به طور جدی در شهر جایی نداشتند. البته این مرزبندی و جدایی فقط جنبهٔ کالبدی و فیزیکی داشت والا معنا و مفهوم شهر در محدودهٔ کالبدی شهر محصور و محدود نبود و تمام منطقه و حوزهٔ جغرافیایی اطراف خود را در بر می‌گرفت. شهر جایگاه سر و نقش فرمانده را برای نواحی روستایی و عشایری گرداگرد خود داشت. مناسبات آنها نه بر مبنای تقسیم کار قاطع که بر اساس وحدت اجتماعی کار برنامه‌ریزی و انتظام می‌یافت^۷ و سازمان سیاسی مستقر در شهر و نمایندگان خود را مالک حقیقی تمام زمین‌های زراعی و مراتع عشایری می‌شمردند و مازاد تولید^۸ را به خود اختصاص می‌دادند.

پیوستگی و وابستگی شدید شهر و سازمان سیاسی مسلط موجب می‌شد تا با سقوط نهاد قدرت، شهر نیز دچار انحطاط و زوال شود. با از میان رفتن ثبات سیاسی و امنیت، شهرها از نظر تکامل اجتماعی به عقب بازگشته و شیرازهٔ امور از هم گسسته می‌شد. فروپاشی هخامنشیان چنین سرنوشتی را برای شهرهای ایرانی رقم زد. کوشش و سماجت اسکندر و سلوکیان برای اشاعه و انتشار فلسفه و نظام اجتماعی هلنی در سرزمین‌های مفتوحه، در ایران پیامد و نتایج اساسی و پایدار نداشت و به شکل تأثیر فرهنگی در نهایت ناپایدار و گذرا در میان خواص ایرانی ساکن در درون حصار شهرها خودنمایی کرد. نواحی روستایی و ایلی خارج از دیوارهای شهر، بدون آن که از حضور یونانیان تأثیر پذیرد، به حیات خود ادامه داد.^۹ شهرنشینان شهرهای پرشماری که سلوکیان در

۷. محسن حبیبی، *از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر* (تهران: دانشگاه تهران،

۱۳۷۸)، ص ۱۱.

۸. مازاد تولید به آن بخش از محصول اطلاق می‌شده است که از قوت لایموت و مقدار لازم برای باز تولید نظام اجتماعی بیشتر بوده است. کاستلو، مقدمهٔ پیران، ص ۷.

۹. احسان یارشاطر، «پیشگفتار»، *تاریخ ایران پژوهش دانشگاه کمبریج*، ج ۳، قسمت اول، ترجمهٔ حسن انوشه (تهران: امیرکبیر،

۱۳۷۳)، ص ۲۷.

مناطق مختلف ایران پی افکندند، تلفیقی از یونانیان مهاجر و ایرانیان هم‌پیمان آنان بود. تلفیقی از شهر هخامنشی متکی بر قدرت با شهر یونانی متکی بر نظام‌مندی دولت شکل گرفت که بخشی از خصایص شهر ایرانی و شهر یونانی را هم زمان در درون خود داشت. مفهوم منطقه‌ای شهر هم‌چنان پا برجا باقی ماند و شهر مانند گذشته به ساماندهی امور و برقراری امنیت مناطق و نواحی پیرامون خود می‌پرداخت. شهر سلوکی چون شهر پارسی جایگاه هیأت حاکمه و طبقات ممتاز اجتماعی بود، اما تحت تأثیر فرهنگ یونانی، خودمختاری نسبی داشت که سلوکیان آن را به رسمیت شناختند. این شهر هم‌چنین نهادهایی را نظیر مجمع خلق، شورا و مأموران انتخابی که ریشه در فرهنگ یونانی داشت در خود مستقر ساخت. متأثر از همین فرهنگ بود که فضاهای جدیدی مانند میدان‌ها و اماکن عمومی تفریحی و ورزشی به ترکیب کالبدی شهر افزوده شد.

جامعه ایلی با محوریت قوم پارتی حاکمیت سلوکی را برانداخت و حکومت اشکانی را بر بخش وسیعی از قلمرو هخامنشی مسلط کرد. این حکومت که ساختاری غیرمتمرکز داشت، حاصل تفاهم دودمان‌ها و خاندان‌های متنفذ و مقتدر ایرانی بود و نوعی خودمختاری منطقه‌ای و ایالتی را به رسمیت شناخت. اما این شکل از خودمختاری و استقلال با شهرهای نسبتاً خودمختار سلوکی و مفهوم پولیس و شهر - دولت یونانی قرابتی نداشت و با حاکمیت پارتیان، چنین مفاهیمی و شهرهایی به تدریج از صحنه سیاسی - اجتماعی جامعه ایرانی خارج شدند. به‌رغم استقرار نظام غیرمتمرکز (ملوک‌الطوایفی) در دوره اشکانی، شهر همچنان مرکز اصلی نهاد قدرت و سلطه باقی ماند و کانون مشورت خاندان‌ها و مکان تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی بود. احداث و یا تجدید بنای چندین شهر به شاهان اشکانی نسبت داده شده است؛ این شهرها اغلب در نیمه شمالی فلات ایران (منطقه خراسان) و قسمت غربی قلمرو پارتیان^{۱۰} (بین النهرین) قرار دارند.^{۱۱} شهرهای تازه تأسیس اغلب بنا بر اهداف و انگیزه‌های سیاسی و نظامی پایه‌گذاری شدند. خاندان شاهی، اشرافیت دودمانی

۱۰. در تاریخ ایران باستان تناسب معناداری میان اقتدار سیاسی در قالب نظام‌های شاهی و شهرسازی و شهرنشینی قابل شناسایی است. بسته به میزان نفوذ و حضور سیاسی - نظامی حکومت مرکزی، فرایند شهرسازی و شهرنشینی تغییر و نوسان می‌یافت. در مناطق و ایالتی که تحت مدیریت و نظارت مستقیم قدرت مرکزی قرار داشتند، مکرر شهرهای جدید، ساخته می‌شد و یا زیست‌گاه‌های پیشین تجدید بنا و روستاها به سکونت‌گاه‌های شهری تبدیل می‌شد. از این‌رو ملاحظه می‌شود که سیاست شهرسازی مادها بر منطقه تحت سلطه خود در غرب، هخامنشیان و ساسانیان در مناطق فارس و خوزستان و اشکانیان در مناطق خراسان و بین‌النهرین متمرکز بود.

۱۱. بنای شهر آساک درحوالی رود اترک، شهر دارا در محل باستانی قره شیخ تپه واقع در صد کیلومتری شرق گنبد قابوس، شهر نسا واقع در ۱۲ کیلومتری عشق‌آباد (اشک‌آباد) و شهر صد دروازه در خراسان به شاهان اشکانی نسبت داده شده است. در غرب نیز اشکانیان شهرهای تیسفون و هترا و شهر دورا اوروپوس واقع در ساحل فرات را ساختند. پرویز ورجاوند، «شهرسازی و شهرنشینی در ایران»، شهرهای ایران، ج ۴، به کوشش محمد یوسف کیانی (تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۰)، ص ۳۹ - ۳۴.

به عنوان نمایندگان جامعه ایلی و روستایی، و رهبران و دست‌اندرکاران نهاد دین (مغان، موبدان) ساکنان اصلی شهرها بودند. همانند دوران گذشته مفهوم شهر و منطقه در هم تنیده بود و هیچ شهری را بدون حوزه نفوذ و سلطه آن نمی‌توان تصور و تعریف کرد. سازمان کالبدی شهر پارتی شامل کهنه‌دژ و شارستان بود. علاوه بر این بر کالبد برخی از شهرها که موقعیت مناسبی برای رشد و گسترش تجارت داخلی و بین‌المللی داشتند، بخش سومی موسوم به حومه، افزوده شد. این قسمت از کالبد شهر اغلب در اطراف دروازه‌ها و مسیرهای مواصلاتی منتهی به شهرها شکل گرفت.

عوامل مؤثر در زندگی و جامعه شهری دوره ساسانی

شهر، شهرسازی، شهرنشینی و به تبع آن جامعه شهری ایران، منطبق و هماهنگ با بازتعریف و بازسازی که ساسانیان در سازمان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی انجام دادند، دچار تغییر و دگرگونی شد. تحولاتی که در ساختار سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی جامعه ایران در دوره مذکور بروز کرد، مناسبات حاکم بر زندگی و جامعه شهری را تحت تأثیر خود قرار داد. از این منظر جامعه شهری عصر ساسانی، از طریق تحلیل عوامل گوناگون تأثیرگذار در آن تبیین می‌شود.

عامل سیاسی؛ وابستگی و پیوستگی شهر و شهرنشینیان به قدرت سیاسی

شهر، شهرنشینی و مناسبات جامعه شهری ایران در طول چهار سده از حاکمیت ساسانیان به مراتب بیشتر از گذشته تحت تأثیر سازمان سیاسی و نهاد قدرت قرار گرفت. ساختار و روابط سیاسی - نظامی مسلط، عامل شکل‌گیری و توسعه بسیاری از شهرها و مبنای تفکیک شهر از غیرشهر در آن دوره بود. نام‌گذاری بسیاری از شهرها با پسوند «ایران» یا «خوره» (فره) نشان‌دهنده گرایش‌های مسلکی ساسانیان است. این کار در واقع بازگشتی بود به اصطلاح اوستایی «ایران خورنه» که با مفهوم پادشاهی و چیرگی مستقیم شاهنشاه بر شهرها پیوند داشت.^{۱۲} چنانکه در خصوص اهمیت و مفهوم شهر پیش از دوره ساسانیان نیز بیان شد، شهر مرکز حیات سیاسی و کانون ساماندهی و انتظام‌بخشی نواحی و سرزمین‌های پیرامونی بود. شهر در فرهنگ ایرانی و زبان فارسی، به معنای کالبدی برای زندگی، توأمان معنای اداره کردن، حکومت، آیین و حتی پادشاهی را تداعی می‌کند.^{۱۳}

۱۲. توج دربایی، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب فر (تهران: ققنوس، ۱۳۸۷)، ص ۱۲۱.

۱۳. حسن باستانی راد، «واژه‌شناسی تاریخی شهر در ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی فرهنگ، شماره ۷۲ (زمستان ۱۳۸۸)، ص ۲۵.

به منظور درک نقش و تأثیر قدرت سیاسی بر مناسبات شهرنشینی و جامعه شهری، تأمل در چند نکته ضرورت دارد:

۱. ساسانیان، حکومتی برآمده از بطن جامعه شهری: ظهور این حکومت به تعبیری نخستین حرکت جامعه شهری برای رسیدن به قدرت در تاریخ ایران بود. اردشیر، بنیانگذار سلسله جدید که در خانواده‌ای شهری تربیت شده بود، با ایجاد شهر «گور»، موجودیت و استقلال خویش را در برابر حکومت اشکانی اعلام کرد.

۲. شاهان شهرساز بر مصدر امور و پی‌گیری سیاست فعال شهرسازی: حکومت ساسانی سیاست شهرسازی فعال و پر دامنه‌ای را در پیش گرفت. اشاره و اخبار متون پهلوی نظیر *کارنامه اردشیر بابکان* و کتاب *شهرستان‌های ایران‌شهر* و نیز منابع عربی و ایرانی قرون نخستین اسلامی حکایت از شور و شوق شاهان این سلسله برای برپایی شهرهای جدید و یا بازسازی شهرهای قدیمی دارد.

بنیان‌گذار حکومت جدید، کوشش برای دستیابی به قدرت را با احداث شهر گور در فارس آغاز کرد و به گفته استخری: «چون اردشیر دشمنی را آنجا قهر کرد خواست کی شهری بنا کند.»^{۱۴} اردوان پنجم شاه اشکانی نیز این اقدام اردشیر را نشانه سرکشی و عصیان آشکار تلقی کرد و در صدد مقابله با آن برآمد.^{۱۵} تأسیس، تجدید بنا و تکمیل شهرهای زیادی به اردشیر بابکان منسوب است.^{۱۶} شاپور اول و دوم نیز اشتیاق فراوانی برای ساخت و ساز شهر از خود نشان

۱۴. ابواسحق ابراهیم اصطخری، *مسالك و ممالك*، به اهتمام ایرج افشار (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸)، ص ۱۱۱.

۱۵. محمد بن جریر طبری، *تاریخ طبری*، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده (تهران: اساطیر، ۱۳۷۵)، ص ۵۸۳.

۱۶. از جمله شهرهای رام‌اردشیر و ریواردشیر در فارس، هرمزاردشیر که همان سوق‌الاهواز باشد در اهواز و به‌اردشیر در غرب مداین و استاباد اردشیر که همان کرخ میسان باشد در سواد و فسا اردشیر که همان شهر خط باشد در بحرین و بوآردشیر که همان حزه باشد در موصل را به او نسبت داده‌اند. *شهرستان‌های ایران‌شهر*، با آوانویسی، ترجمه فارسی و یادداشت‌ها از تورج دریایی و شهرام جلیلیان (تهران: توس، ۱۳۸۸)، ص ۴۱ - ۴۰؛ *کارنامه اردشیر بابکان*، ترجمه بهرام فره‌وشی (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶)، ص ۴۵ - ۴۴؛ طبری، ج ۲، ص ۵۸۵؛ حمزه اصفهانی، *تاریخ پیامبران و شاهان (تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء)*، ترجمه جعفر شعار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷)، ص ۴۶ - ۴۴؛ ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری، *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی (تهران: نی، ۱۳۶۶)، ص ۷۲؛ ابوسعید عبدالحی بن ضحاک گردیزی، *تاریخ گردیزی*، به تصحیح عبدالحی حبیبی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳)، ص ۶۵ هم‌چنین بنای شهرهای رأس شاپور که مکان آن به طور دقیق معلوم نیست (*کارنامه اردشیر بابکان*، ص ۱۱۱) و شهر بابک، نماشیر و بردسیر در کرمان، ناصرالدین منشی کرمانی، *سمط العلی للحضرة العلیا*، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی (تهران: اساطیر، ۱۳۶۲)، ص ۱۲؛ و تکمیل ساخت زرنگ (*شهرستان‌های ایران‌شهر*، ص ۴۰) به اردشیر بابکان نسبت داده شده است.

دادند.^{۱۷} درباره پایه‌گذاری شهرها و توسعه جامعه شهری توسط قباد^{۱۸} و خسرو انوشیروان^{۱۹} هم مکرر سخن گفته شده است. شاهان کم نام و نشان‌تر ساسانی نیز فرصت‌ها را برای تأسیس شهر در گوشه و کنار امپراتوری غنیمت شمردند.^{۲۰} حتی نام شاهدخت‌ها نیز در ردیف سازندگان شهرهای ایران‌شهر دیده می‌شود.^{۲۱}

سیاست شهرسازی ساسانیان ویژگی‌های معینی داشت که بر موقعیت، ترکیب و توزیع جغرافیایی جامعه شهری آن عصر گذاشت:

الف) روند شهرسازی در طول دوران حاکمیت خاندان ساسان پر فراز و نشیب بود و آهنگ یکسان و یکنواختی نداشت؛ تناسب معناداری میان رشد شهرها و موقعیت سیاست داخلی و سیاست خارجی حکومت ساسانی قابل شناسایی است. بنای شهرها در دوره‌هایی شتاب گرفت که شاهانی پر قدرت بر سریر قدرت قرار داشتند و اغلب پس از کامیابی در نبرد خارجی و یا سرکوب مدعی داخلی، یک یا چند شهر را احداث کردند.^{۲۲}

۱۷. بنای شهرهای نیشاپور و پوشنگ در خراسان، بيشاپور در فارس، به از اندیو شاپور (گندیشاپور) در خوزستان، پیروز شاپور (انبار)، شاد شاپور و حیره در سواد و ایران کرد شاپور و آر هست که محل آن‌ها ناشناخته مانده به شاپور اول نسبت داده شده است. شهرستان‌های ایران‌شهر، ص ۲۸، ۳۹ و ۴۱؛ طبری، ج ۲، ص ۵۹۳؛ اصفهانی، ص ۴۷؛ ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸)، ص ۲۵۵؛ مطهر بن طاهر مقدسی، آفرینش و تاریخ، ج ۲، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی (تهران: آگه، ۱۳۷۴)، ص ۶۱۶؛ گردیزی، ص ۶۸؛ دینوری، ص ۷۳؛ ابوعبدالله یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ترجمه علی‌نقی منزوی (تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۳)، ص ۸۸. ساخت و یا تجدید ساخت شهرهای بزرگ شاپور یا عکبرا و پیروز شاپور (انبار) در سواد، ایران خره شاپور (کرخ) و شوش در خوزستان و خنی شاپور(?) در مکانی موسوم به بارجرمی (باجرما) به شاپور دوم نسبت داده شده است. طبری، ج ۲، ص ۶۰۱؛ اصفهانی، ص ۵۱؛ دینوری، ص ۷۶؛ احمد بن محمد بن اسحاق همدانی (ابن فقیه)، البلدان، ترجمه مختصرالبلدان، ترجمه ح. مسعود (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹)، ص ۱۲۱؛ حموی، ج ۱، ص ۹۸ و ۳۲۸.

۱۸. ساخت چندین شهر به قباد منسوب است. از مهم‌ترین آن‌ها امید کواد (یعنی بهتر از امید است) که همان ازگان (ارژان) باشد، را می‌توان یاد کرد که در مرز فارس و خوزستان قرار داشت. شهرستان‌های ایران‌شهر، ص ۴۰، ۴۱؛ طبری، ج ۲، ص ۶۳۹؛ ابن بلخی، فارسنامه، تصحیح منصور رستگار فسایی (شیراز: بنیاد فارس شناسی، ۱۳۷۴)، ص ۳۵۲؛ گردیزی، ص ۸۲؛ اصفهانی، ص ۵۵.

۱۹. به از اندیو خسرو یعنی بهتر از انطاکیه شهر خسرو، که همان رومیه مدائن باشد و شهرهای نوبندگان در فارس، همدان و اردبیل به انوشیروان منسوب هستند. گردیزی، ص ۸۸؛ اصفهانی، ص ۵۵. هم‌چنین نویسنده شهرستان‌های ایران‌شهر ایجاد ۵ شهر با پیشوند و یا پسوند خسرو را به این شاه نسبت می‌دهد. شهرستان‌های ایران‌شهر، ص ۳۹.

۲۰. از هرمزد دوم، یزدگرد اول، بهرام گور و پیروز ساسانی نیز به عنوان شاهان شهرساز یاد شده است. نک: مسعودی، ج ۱، ص ۳۴۴؛ شهرستان‌های ایران‌شهر، ص ۳۸، ۳۹؛ تودور نولدکه، تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب خوبی (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۸)، ص ۱۵۳.

۲۱. شهرستان‌های ایران‌شهر، ص ۴۱.

۲۲. شهرستان نیشاپور را پیروزی بر پهلزیگ تورانی ساخت (شهرستان‌های ایران‌شهر، ص ۳۸). قباد نیز بعد از ظفر یافتن بر رومیان شهر ارگان را بنا کرد. طبری، ج ۲، ص ۶۴۱.

ب) تأسیس شهر در بیشتر موارد با تغییر در تقسیمات اداری و ایجاد ولایتی تازه به مرکزیت شهر جدیدالتأسیس همراه بود.^{۲۳} این پدیده بیان‌کننده استمرار مفهوم منطقه‌ای شهر ایرانی در دوره باستان است؛ خصیصه‌ای که نشان از درهم‌تنیدگی مفهوم شهر و نواحی تحت نفوذش در آن دوره دارد؛ هیچ شهری بدون منطقه و روستاهای تحت نظارت و سلطه‌اش قابل تعریف نبود و هیچ منطقه‌ای بدون یک کانون انتظام‌بخش و مرکز اداری مانند شهر قابل تصور نبود.^{۲۴} شهر به نمایندگی از نهاد قدرت اختیار دیه‌ها و منابع ثروت و تولید گداگرد خود را به دست گرفت و در ازای باج و خراجی که به صورت محصولات کشاورزی از روستائیان دریافت می‌کرد، امنیت و خدمات آبرسانی روستاها را تأمین می‌ساخت.

ج) روند شهرسازی در سرتاسر قلمرو شاهنشاهی و در مقاطع مختلف شکل متوازی نداشت، بلکه بسته به موقعیت سیاسی - اداری، جغرافیایی - اقلیمی و اجتماعی نواحی و سرزمین‌های تابعه، ناهمسانی‌هایی داشت. این فرآیند به نسبت میزان نفوذ و تسلط حکومت ساسانی در قلمرو امپراتوری در زمان‌های مختلف، متغیر و در نوسان بود. عمده شهرها در مناطقی بنا شدند که کارگزاران و نمایندگان حکومت حضور و اقتدار جدی و مؤثری داشتند. سیاست شهرسازی و توسعه شهری ساسانیان عمدتاً بر قسمت‌های جنوب و جنوب غربی فلات ایران نظیر مناطق و ایالات سواد، خوزستان و فارس متمرکز بود که در تسلط مستقیم و نظارت مستمر شاهان ساسانی قرار داشتند؛ اما در بخش‌های شمالی به ویژه در ناحیه ساحلی دریای خزر به سبب کاهش نفوذ و سلطه سیاسی - نظامی حکومت، به رغم وجود منابع آب کافی و بالطبع تراکم بیشتر جمعیت و ظرفیت و استعداد مناسب برای توسعه شهری، کمتر دیده می‌شود شهر جدیدی برپا شود و کانون‌های جمعیت شهری قابل توجهی شکل گرفته باشد.

د) قدرت سیاسی متمرکز و قاهر: خاندان ساسانی با رجوع به مفاهیم کهن تقسیمات کشوری، فرایند تمرکز قدرت را هر چند به شکلی پر نوسان اما مستمر تعقیب کرد. مدیریت متمرکز اقتضا می‌کرد تا نظامیان و دیوانیان به عنوان نمایندگان و کارگزاران حکومت همه جا حضوری فعال

۲۳. مسعودی مهم‌ترین اقدامات شاپور اول را چنین برشمرده است: «با بسیاری از ملوک جنگ‌ها داشت و ولایت‌ها پدید آورد و شهرها بنیاد کرد» (مسعودی، ج ۱، ص ۲۴۳)؛ قباد نیز هم‌زمان با بنای شهر ارگان، تعدادی از روستاهای ولایت سُرق و ولایت رامهرمز را به ارگان منضم کرد و ولایتی جدید به وجود آورد (طبری، ج ۲، ص ۶۴۱). خسرو اول هم پس از بنای شهر به از اندیو خسرو (رومیه) در مجاورت تیسفون، ولایتی نو مرکب از پنج تسوج تشکیل داد. همان، ج ۲، ص ۷۰۱.

۲۴. جهان‌شاه پاکزاد، «بررسی تطبیقی شهرهای ایرانی و اروپایی برای ریشه‌یابی موانع تاریخی مشارکت مدنی»، مجله صفا، س

داشته باشند. بنابراین تأسیس، تجدید بنا و توسعه دژها، پادگان‌های نظامی و شهرهای دیوانی برای استقرار و فعالیت این قشرها در دستور کار قرار گرفت. در آن دوره، مناسبات زندگی شهری با مفهوم سیاست و حکومت مرکزی، حتی وابستگی و پیوستگی عمیق‌تری نسبت به گذشته یافت. شهرهای شاهی پیش از هر چیزی مراکز قدرت نظامی و اداری بودند و شبکه‌های شهری به سان شبکه‌ای سیاسی، اداری و نظامی ظاهر شدند. چنین الگوی شهری هم معلول و هم علت سازمان اداری - سیاسی تمرکزگرا بود. مأموران و کارگزاران وابسته به سازمان سیاسی - نظامی را مقتدرترین و متنفدترین اقشار یا طبقات شهری تشکیل می‌دادند.^{۲۵} این گروه نخبگان شهری حاکم، در واقع نمایندگان غیر انتخابی سه جامعه شهری، روستایی و ایلیاتی به شمار می‌رفتند که شهر پایگاه اصلی آنان به حساب می‌آمد و به نمایندگی از سوی حکومت بر تمام امور و شئون شهر و منطقه شهری نظارت و تسلط کامل داشتند. سایر قشرهای شهرنشین شامل رده‌های پیشه‌وری و کشاورزان، نه فرصت و نه آمادگی داشتند تا در تصمیم‌سازی و اداره زندگی شهری مشارکت کنند. عنصر امنیت در ظهور و دوام چنین الگوی مدیریت شهری، نقش و اهمیت کلیدی داشت. ترس و نگرانی از کشاکش قدرت‌های محلی با حکومت مرکزی و هجوم ایلات غیر یکجانشین و اقوام مهاجم بیابان‌گرد بیگانه، همواره شهرنشینان را وادار و تشویق به پذیرش قواعد و الزامات نظام متمرکز و اقتدارگرا در سطوح کشوری، منطقه‌ای و شهری می‌کرد. آنان با آگاهی و درک موقعیت به این شرایط تن می‌دادند؛ زیرا عدم تمرکز و پراکندگی قدرت را با ناامنی، هرج و مرج، تجاوز، قتل و غارت، کاهش جمعیت، قطع شدن راه‌ها و مسیرهای تجاری، رکود و انحطاط اقتصادی و در یک کلام ویرانی و نابودی زندگی شهری برابر می‌دانستند.

۳. استفاده از اسیران جنگی رومی و شهرنشینان سوربایی در توسعه شهری: بهره‌گیری از اسیران جنگی و جا به جایی‌های جمعیتی بخشی از استراتژی ساسانیان در روند شهرسازی بود. این امر مناسبات شهری را به نحو بارزی تحت تأثیر قرار داد؛ افزون بر تغییری که در ساختار و ترکیب قومی جامعه شهری و بافت فرهنگی - عقیدتی ایجاد کرد، روابط اقتصاد شهری را نیز متحول ساخت و صورت‌بندی اجتماعی - اقتصادی جدیدی به وجود آورد.

تمایل جدی وجود داشت تا از مهارت و توان فنی اسیران جنگی رومی در ساخت و سازهای

۲۵. در این باره، نک: احمد اشرف، «نگرشی در تحول شالوده‌های نظام طبقاتی از دوره ساسانی به دوره اسلامی»، «مجله آرش»

شهری و احداث پل‌ها، سدها و جاده‌ها بهره‌بردار می‌شود.^{۲۶} شاپور اول،^{۲۷} شاپور دوم،^{۲۸} قباد^{۲۹} و خسرو انوشیروان^{۳۰} بارها به سرزمین‌های تابعه امپراتوری روم در شام و آسیای صغیر لشکرکشی کردند و بخشی از ساکنان شهرهای آن دیار را به درون قلمرو خود کوچاندند و در شهرهای نوین، مخصوصاً در خوزستان اسکان دادند. این مهاجران علاوه بر آن که موجب رشد جمعیت‌های پیشه‌وری شدند، به اقتصاد خرده کالایی شهر نیز رونق بخشیدند.

عامل فرهنگی و اجتماعی

شهر به سبب سازمان‌یافتگی فرهنگی - اجتماعی، با فرهنگ به مثابه مجموعه پدیده‌های رفتاری و ذهنی اکتسابی هر جامعه، نسبتی مستقیم دارد.^{۳۱} شهر و روابط زندگی شهری ساخته و سازنده جریان‌های فرهنگی و اجتماعی است. کالبد شهر و مناسبات شهری تجلی و تبلور آموزه‌های اعتقادی و آرمان‌های اجتماعی است و با تغییر و دگرگونی در ساختار و شکل‌بندی اجتماعی و فرهنگی، ترکیب و کاربست عناصر زندگی شهری نیز دچار تغییر و تحول می‌شود. در این میان شهر ایرانی به سبب نقش و کارکرد شاخص مدیریتی و اعمال نظارت و سلطه همه جانبه بر سرزمین‌های گرده‌گرد خویشتن، بستری مناسب برای تحقق الگو و انگاره‌های فرهنگی و اجتماعی به شمار می‌رود.

جهان‌بینی و باورهای دینی تأثیر عمیقی بر شکل شهر و آرایش و کارایی مؤلفه‌های زندگی شهری در ایران باستان، مخصوصاً دوره ساسانی داشت. کالبد فیزیکی شهر دارای

۲۶. شاپور اول، امپراتور اسیر رومی (والریانوس) را به همراه دیگر اسرا به ساختن سدی بر روی رود کارون در حوالی شوشتر واداشت.

۲۷. شاپور اول پس از گشودن شهرهای تابعه امپراتوری روم در نواحی جزیره و شام، جمعی از ساکنان آن مناطق را به داخل ایران منتقل و در شهرهای تازه تأسیس گندی‌شاپور و شوشتر در خوزستان و ریو اردشیر و شاپور در فارس اسکان داد. طبری، ج ۲، ص ۵۹۰؛ دینوری، ص ۷۳؛ مقدسی، ج ۱، ص ۵۱۱.

۲۸. شاپور دوم نیز به دنبال فتوحات نظامی در سرزمین‌های تحت سلطه روم، گروهی از شهرنشینان را به شهرهای ایران از جمله ایران خره شاپور، شوش و شوشتر کوچاند. طبری، ج ۲، ص ۶۰۱ ۶۰۵؛ مسعودی، ج ۱، ص ۲۵۴؛ اصفهانی، ص ۵۱.

۲۹. سکنه شهر نو بنیاد ارگان در مرز فارس و خوزستان را نیز اسیرانی تشکیل می‌دادند که به دستور قباد از شهرهای آمد و میافارقین به آن شهر منتقل شدند. طبری، ج ۲، ص ۶۴۱؛ دینوری، ص ۹۵.

۳۰. خسرو انوشیروان فرمان داد شهر به انطاکیه (رومگان) دقیقاً به سبک شهر انطاکیه در جوار تیسفون ساخته شود تا اسیران رومی را در خود جای دهد. طبری، ج ۲، ص ۷۰۱؛ دینوری، ص ۹۸ - ۹۷؛ احمد بن محمد مسکویه، تجارب الامم، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم امامی (تهران: سروش، ۱۳۶۹)، ص ۶۵.

۳۱. ناصر فکوهی، انسان‌شناسی شهری، (تهران: نی، ۱۳۸۷)، ص ۲۸۶.

چهار دروازه به چهار سوی عالم بود که می‌توانست نشان و نمادی از جهات و عناصر اربعه باشد. بنای شهر در موارد زیادی با ساخت آتشکده و ایجاد آتش بهرام در داخل یا بیرون از شهر همراه بود.^{۳۲} ایده «ایران شهر» به مثابه سرزمینی یکپارچه تحت فرمانروایی شاهانی از نسل اردشیر بابکان، مفهومی دینی بود که تبیین و اشاعه آن نیاز به همیاری و همکاری روحانیان زرتشتی داشت. بنابراین موبدان به بالاترین نقطه هرم قدرت ارتقاء یافتند و عملاً در قدرت سیاسی سهیم گشتند و از رهگذر آن جایگاه و موقعیت والایی را در شهر که پایگاه و مقر حکومت بود از آن خود کردند. با این حال مرجعیت دینی موبدان در میان جامعه شهری عصر ساسانی متأثر از عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، در زمان‌ها و مناطق مختلف شدت و ضعف داشت. اگرچه به سبب جهان‌بینی و منافع اساسی مشترک، اتحادی بنیادین و پایدار میان نهاد دین و سازمان سیاسی در دوره ساسانی برقرار شد، اما کشمکش مستمر آن دو برای تحمیل اراده و خواست خود بر دیگری به تضعیف هر دو انجامید و مانع از سلطه بلامنازع رهبران زرتشتی بر شهر و جامعه شهری شد. تنوع و رنگارنگی جمعیت شهری از حیث قومیت، دین، زبان و فرهنگ نیز عامل دیگر بود که مرجعیت دینی انحصاری و مطلق موبدان را محدود و محصور می‌کرد؛ شمار قابل ملاحظه‌ای از ساکنان شهرها مخصوصاً حومه‌نشینان در نواحی سواد، خوزستان و قسمت‌هایی از مناطق غربی و ساحلی فارس را مردمانی تشکیل می‌دادند که اصل و نسب ایرانی نداشتند؛ خاستگاه و منشأ قومی و نژادی شمای زیادی از آنان به اسیران جنگی رومی و مهاجران سوربیایی تبار می‌رسید.^{۳۳} اینان هیچ‌گاه جذب آتشگاه نشدند^{۳۴} و با جدایی از کلیسای روم و به جان خریدن برخی ناملازمات و مزاحمت‌های موقت، هم‌چنان بر کیش اجدادی خویش باقی ماندند.^{۳۵} اشتغال این گروه از شهرنشینان به فعالیت‌های پیشه‌وری، صنایع کارگاهی و بازرگانی که آیین زرتشتی نگرش

۳۲. کارنامه اردشیر بابکان، ص ۴۷، ۵۱، ۱۱۱؛ شهرستان‌های ایران‌شهر، ص ۳۷، ۳۸، ۴۷.

۳۳. وجود اسامی سریانی برای نقاط شهری خوزستان بیان‌کننده حضور پررنگ و مؤثر سریانی تباران مهاجر در این سرزمین

است. یوزف مارکوارت، *ایران‌شهر در جغرافیای بطلمیوس*، ترجمه مریم میراحمدی (تهران: طهوری، ۱۳۸۳)، ص ۴۲.

۳۴. اگر چه نشانه و ادله‌ای برای آزار و اذیت رعایای مسیحی امپراتوری ساسانی - البته نه به شکلی مستمر و مداوم - ارائه شده

است، اما این نشانه و ادله‌ها، دلالت بر ترغیب و یا اجبار آنان به پذیرش آیین زرتشتی نمی‌کند.

۳۵. بیشتر شهرهای نواحی سواد و خوزستان در فاصله سده‌های چهارم تا هفتم میلادی اسقف‌نشین بودند. شهر تیسفون پایتخت

ساسانیان، مرکز عیسویان ایران و مقر جاثلیق به شمار می‌رفت. مارکوارت، ص ۳۲، ۴۲، ۴۳، ۴۴؛ آ. ای. کولسنیکف، *ایران در آستانه*

یورش تازیان، ویراستار ن. و. پیگولفسکایا، ترجمه محمدرقیق یحیایی (تهران: آگاه، ۱۳۵۵)، ص ۲۶۳، ۲۷۳ - ۲۷۲؛ آرتور کریستن

سن، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی (تهران: آوای عشق، ۱۳۸۸)، ص ۲۷۹.

منفی نسبت به این گونه مشاغل داشت^{۳۶} مانعی جدی بر سر راه ادغام اجتماعی آنان در جامعه بهدینان بود. بخش دیگری از تنوع و تکثر اجتماعی و فرهنگی جامعه شهری مستقر در سواد خوزستان، مربوط به حضور اتباع عرب‌تبار شاهنشاهی ساسانی است. اینان از طریق مهاجرت و یا کوچ اجباری به درون سرزمین‌های ایرانی راه یافتند و اغلب آن‌ها تحت تأثیر سکنه نصرانی آن دیار به دین مسیحیت گرویدند. شواهدی در دست نیست که نشان دهد تشکیلات دینی زرتشی برای جذب آنان کوششی کرده باشد. جامعه شهری در مناطق فارس، جبال، خراسان و سیستان انسجام و یکپارچگی قومی و فرهنگی کامل‌تری داشت و عموم اعضای آن را فارسی زبان مؤمن به کیش زرتشت تشکیل می‌دادند. روحانیان زرتشتی در مقام مرجع و پیشوای دینی، همواره در تکاپو بودند تا نظارت و احاطه تمام عیاری بر زندگی بهدینان اعمال کنند. اجرا و انجام مناسک مذهبی و مراسم آیینی مفصل و مملو از تشریفات و تجملات رو به تزاید،^{۳۷} مزدا پرستان را در ارتباطی تنگاتنگ و مداوم با روحانیان زرتشتی - هر چند دون پایه - نگه می‌داشت. البته ناهمسازی‌های محلی و برداشتهای متباین از آیین مزدیسنا در نواحی دور از هم^{۳۸} و همزیستی گروه‌های کم و بیش کوچک و بزرگی از یهودیان،^{۳۹} عیسویان، بوداییان و مانویان و مزدکیان (این دو به شکل مخفیانه) با زرتشتیان، مرجعیت متمرکز و یکنواخت موبدان را حتی در بخش‌های مرکزی و شرقی قلمرو خاندان ساسانی با مشکلات و محدودیت‌هایی رو به رو کرده بود. از این‌رو روحانیان متنفذ و سرشناسی چون تنسر و کرتیر درصد برآمدند به بهانه مبارزه با ارتداد و انحراف از درست دینی، افکار و آموزه‌های ناسازگار و متباین را بزداوند و

۳۶. حرمت آلودن عناصر اربعه در آیین مزدایی، موانع ذهنی و اجتماعی جدی در برابر فعالیت‌های پیشه‌وری که سر و کارشان با این عناصر بود ایجاد کرد. جای نداشتن حرف پیشه‌وری در فهرست مشاغل نیک و پسندیده در اندرزنامه‌های آن عصر (اندرزنامه‌های پهلوی: «اندرز آذریاد مهراسپندان و اندرز خسروقادان»، ترجمه موبد اردشیر آذرگشسب (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)، ص ۴۷)، لحن متفاوت متون دینی پهلوی نسبت به این قشر در مقایسه با سایر اقشار اجتماعی (مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی (تهران: توس، ۱۳۶۴)، ص ۴۹ - ۴۸، ۷۷) و جای دادن آن‌ها در ردیف پائین‌ترین طبقات اجتماعی و نیز عدم تعلق آتشکده اختصاصی به آنان، همگی نشان از نگاه منفی زرتشتیان به پیشه‌وران و بازرگانان است.

۳۷. در ایران باستان به خصوص دوران ساسانیان، زمان شهری بر مبنای گاهشماری دینی تنظیم یافته بود. سال به دوازده ماه سی روزه که هر روز آن عنوان مخصوصی داشت تقسیم شده بود. افزون بر روزهای مقدس هر ماه که مراسم جشن عمومی و دعاهای ویژه خاص خود را داشت، پیروان دین مزدایی توصیه می‌شدند که در هر روز ماه اعمال و مناسک معینی را انجام دهند. اندرزنامه‌های پهلوی، ص ۵۶ - ۵۵.

۳۸. یارشاطر، ص ۵۰.

۳۹. ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی، ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ترجمه نورالله کسای (تهران: سروش، ۱۳۷۷)، ص ۱۶؛ اصفهانی،

نوعی مشروعیت انحصاری در حوزه اندیشه و عمل دینی برای خویش تحصیل کنند. نظام اجتماعی نیز بر شکل شهر و مناسبات شهری اثرگذار است. سازمان اجتماعی ایران باستان در هماهنگی و انطباق با باورهای دینی و آرمان‌های اجتماعی اقوام ایرانی، از لایه‌های سه گانه دین‌یاران، رزم‌یاران، و کشت‌کاران و دامداران شکل گرفت. کتاب اوستا نیز این لایه‌ها را با عناوین «آثروان» (روحانیان) به پهلوی «آسروان»، «رثه‌اشتر» (گردونه‌رانان، جنگیان) به پهلوی «ارتشتار» و «واستریه» به پهلوی «واستریوش» که منظور کشاورزان و دامداران است به رسمیت شناخت و آتش و آتشکده‌های سه‌گانه مخصوص هر لایه اجتماعی بر پا شد. در دوره ساسانی به سبب رشد سازمان اداری - دیوانی و ظهور مناسبات جدید در حوزه اجتماعی و اقتصادی تغییراتی در لایه‌بندی سه‌گانه نظام اجتماعی بروز کرد. قشر دبیران، نویسندگان، پزشکان، شاعران و منجمان لایه جداگانه‌ای را تشکیل دادند. بر اثر توسعه مناسبات اقتصادی گروه‌های پیشه‌ور، صاحبان حرف و بازرگانان نیز با عنوان‌های «هتخشان» یا «مهنه»^{۴۰} در کنار کشاورزان و دامداران در لایه دیگری ساماندهی شدند. در ادامه دهقانان نیز به عنوان یک قشر متنفا اجتماعی سر برآوردند و موقعیت و اقتدار اشرافیت دودمانی را تحدید کردند. شهر مستقر و پایگاه اصلی لایه‌های جدید بود. لایه‌های چندگانه در دو بخش اجتماعی گروه صاحبان قدرت مسلط و گروه تحت سلطه (عامه مردم) دسته‌بندی شدند.

نظام اجتماعی متکی بر لایه‌های مشخص، ویژگی‌های متمایزی داشت: یکم آن که چنین سازمان اجتماعی تجلی و تبلور زمینی نمونه آسمانی و متعالی نظام باورها و جهان‌بینی ایرانیان به شمار می‌رفت که اوستا به آن اشاره کرده، و این بیان‌کننده خاستگاه دینی این نظام اجتماعی بود. در نامه تنسر نیز با صراحت تمام بر آن تأکید شد «مردم در دین چهار اعضا دارند، و در بسیار جای کتب دین بی‌جدال تأویل و خلاف و اقاویل، مکتوب و مبین است که آن را اعضاء اربعه می‌گویند.»^{۴۱} دوم آن که لایه‌های چندگانه اجتماعی جلوه‌ای از اعضای بدن انسان تلقی و تصور می‌شدند، «و سر آن اعضاء پادشاه هست.»^{۴۲} سوم آن که تأکید بر خویشکاری هر قشر و کشیدن دیواری بلند به

۴۰. مهنه جمع ماهن و ماهن به معنی خادم است. در اینجا مهنه به معنی کسبه خرده‌پا و صاحبان مشاغلی که روی هم طبقه تولید کننده را تشکیل می‌دهند. در آن روزگار به طبقه عامه و مهنه «واستریوشان» یعنی چوپانان و برزیگران به ضمیمه «هتخشان» یعنی محترفه یا شهریان می‌گفتند.

۴۱. نامه تنسر به گشنسب، به تصحیح مجتبی مینوی، گردآورنده تعلیقات مجتبی مینوی و محمد اسماعیل رضوانی (تهران:

خوارزمی، ۱۳۵۴)، ص ۵۹.

۴۲. همان جا.

دور هر لایه و بخش اجتماعی و ارائه تعریفی از عدالت اجتماعی و عدل الهی در چهارچوب چنین نظم اجتماعی، نوعی نظام طبقاتی را به‌خصوص در دوره ساسانی شکل داد. خاندان ساسانی نه تنها سازمان اجتماعی جامعه تحت نفوذ و سلطه خویش را بازنگری و باز تعریف نکرد، بلکه بسط، تحدید و حراست از آن را نیز حق انحصاری و رسالت بزرگ خود می‌دانست. به گفته نویسنده نامه تنسر، قوام عالم، انتظام کار عالمیان و صلاح ملک و دین به آن است که پادشاه مردمان را به کارهای خویش مشغول گرداند و از کارهای دیگران بازدارد و در این راه مجاز به تعذیب و سفک دماء است.^{۴۳} از زبان اردشیر بابکان نیز نقل شده است که: «هیچ چیز را در انتقال حکومت‌ها و ویرانی کشور تندتر از انتقال این طبقه‌ها از پایگاه خویش اثر نباشد که بزرگ بجای فرومایه افتد و فرومایه به پایگاه بزرگ برآید.»^{۴۴} به‌منظور حفظ نسب و خون، محدودیت و موانع بسیاری بر سر راه تعامل لایه‌های اجتماعی وضع شد: «و من [اردشیر] بازداشتم از آن که هیچ مردم زاده [یعنی شریف و اصیل و بزرگ‌زاده] زن عامه خواهد، تا نسب محصور ماند، و هر که خواهد میراث بر آن حرام کردم، و حکم کردم تا عامه مستغل و املاک بزرگ‌زادگان نخرند. و در این معنی مبالغت روا داشت، تا هر یک را درجه و مرتبه معین ماند، و به کتاب‌ها و دیوان‌ها مدون گردانند.»^{۴۵}

تفکیک فضایی شهر به سه بخش و تبعیت از الگوی جای‌دهی سلسه‌مراتب جمعیت شهری در بخش‌های سه‌گانه فضای کالبدی شهر (کهندژ، شارستان و بیرونی)، بازتاب و تجلی سازمان اجتماعی و روابط حاکم بر جامعه عصر ساسانی است.^{۴۶} تنها دیوارهای ذهنی و اجتماعی، جامعه شهری را از یکدیگر متمایز و مجزا نمی‌کرد، بلکه باروهای بلند و نفوذ ناپذیر نیز این دو بخش شهرنشین را از یکدیگر جدا نگاه می‌داشت. کهندژ شامل کاخ‌ها، آتشگاه، سرباز خانه و انبارهای آذوقه بود که مظهر اقتدار حکومت مرکزی در منطقه شهری محسوب می‌شد؛ شارستان یا شار میانی، ترکیبی از خانه‌های مسکونی و اماکن عمومی برای سکونت و فعالیت اعضای طبقه ممتاز بود. کهندژ و شارستان از طریق باروهای بلند و سنگین محافظت می‌شدند. حومه یا شار بیرونی مجموعه‌ای از محلات، خانه‌ها، بازارها و مزارع در اطراف شار میانی و محل استقرار کلیه مردمان

۴۳. نامه تنسر به گشنسب، به تصحیح مجتبی مینوی، گردآورنده تعلیقات مجتبی مینوی و محمد اسماعیل رضوانی (تهران: خوارزمی، ۱۳۵۴)، ص ۶۱.

۴۴. عهد/ردشیر، پژوهنده عربی احسان عباس، ترجمه فارسی محمدعلی امام شوشتری (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸)، ص ۸۰.

۴۵. نامه تنسر به گشنسب، ص ۶۵.

۴۶. برای آگاهی از روند ساخت بخش‌های سه‌گانه شهر در دوره ساسانیان و تأثیرگذاری در دوره اسلامی، نک: شهرام یوسفی‌فر، «تأملاتی در مقوله شکل شهر و مناسبات شهرنشینی در سده‌های میانه تاریخ ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی فرهنگ، ش ۵۶ (زمستان ۱۳۸۴)، ص ۲۲۳ - ۲۲۰.

تحت سلطه بود که راهی به درون لایه‌های اجتماعی مسلط و مرفه نداشتند. شهرهایی که در مسیر راه‌های بازرگانی بین‌المللی قرار داشتند و شهرهایی که پذیرای جمعیت کوچنده از شهرهای مسخر شده در قلمرو روم شدند، دارای حومه و شار بیرونی نسبتاً پر رونق با جمعیت پیشه‌وری قابل اعتنایی بودند. ترکیب قومی و فرهنگی ساکنان شار بیرونی چنین شهرهایی تنوع و تکثر بیشتری داشت و مردمانی با قومیت، زبان، دین و فرهنگ متفاوت در آنجا سکنی گرفته بودند. اما ساکنان کهندژ و شارستان را عمدتاً ایرانیان زرتشتی وابسته و پیوسته به سازمان نظامی - اداری حکومت ساسانی تشکیل می‌دادند.

بازار: عامل اقتصادی

شهر یک واقعیت و موجودیت اقتصادی و مرکز انباشت ثروت است. نظام‌های اقتصادی مختلف، شکل‌های متفاوتی از شهر با کارکردها و روابط شهری مشخص را انعکاس می‌دهند که با شرایط و ضروریات هر یک از آن نظام‌ها منطبق و هماهنگ است. مثلاً شکل شهر و مناسبات شهری در جامعه‌ای که اقتصاد آن متکی بر کشاورزی است تفاوت محسوسه‌ای با شکل شهر و مناسبات شهری جامعه‌ای دارد که اقتصادش مبتنی بر تولید خرده کالایی، یا تولید صنعتی و بازرگانی است. از سویی مناسبات شهری و ساز و کارهای مدیریتی آن نیز روندها و ساختارهای اقتصادی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

تأمل و تعمق در چند نکته برای ارزیابی و تشخیص تأثیر و تأثر متقابل ساختار و روابط اقتصادی از یک طرف و شهر و مناسبات جامعه شهری از طرفی دیگر در دوره ساسانی ضرورت دارد:

۱. استمرار الگوی کهن هم‌زیستی سه شیوه تولید و زیست روستایی، کوچ‌رویی و شهری بر پایه وحدت اجتماعی کار میان این شیوه‌ها، ویژگی شاخص صورت‌بندی اجتماعی - اقتصادی جامعه ایرانی در عصر ساسانی است. شهر کانون و نقطه مرکزی چنین اتحاد و ترکیبی بود و زیست‌گاه‌های روستایی و ایلی نه در رقابت و تقابل با شهر بلکه به عنوان مکمل آن نقش ایفا می‌کردند. این الگو با مفهوم منطقه‌ای شهر به مثابه دیگر انگاره کهن استمرار یابنده در عصر ساسانی، پیوندی استوار داشت.

۲. ساماندهی مناسبات اقتصادی جامعه یکی از کارکردهای اصلی شهر ساسانی به حساب می‌آید. سازمان سیاسی با استقرار در شهر و تأمین امنیت منطقه شهری، مدیریت ساختارهای کلان اقتصادی را به دست گرفت و سلطه خود را بر تمام روابط و نیروهای تولیدی شیوه‌های زیست

سه‌گانه در درون و بیرون باروهای شهر گستراند. در واقع قدرت سیاسی، نظارت و سلطه تمام عیاری بر اقتصاد اعمال می‌کرد. از سوی دیگر سیاست بلند مدت ساسانیان در انتقال اسیران رومی و شهرنشینان سوربایی به درون سرزمین‌های ایرانی و اسکان آنان در شهرهای قدیم و نوین، علاوه بر تغییر در ترکیب و مناسبات جامعه شهری، موجب تحول و دگرگونی اقتصاد شهری نیز شد. قاطبه آن‌ها پیشه‌ور و کارگران ماهر و متخصص در صنعت بودند. افزایش جمعیت پیشه‌وری، گسترش صنایع کارگاهی در شهرهای خوزستان^{۴۷} و سواد و به تبع آن توسعه تجارت نتیجه مستقیم سیاست جا به جایی‌های جمعیتی است که در فاصله سده‌های ۳ تا ۶م. توسط حکومت ساسانی به اجرا درآمد.

۳. وضعیت جغرافیایی ناهمگون قلمرو وسیع ساسانیان و شرایط طبیعی و اقلیمی بسیار متنوع و حتی متضاد موجب بروز و ظهور شکل‌های ناهمسانی از مناسبات اقتصاد کشاورزی و تولید خرده کالایی شد. برای نمونه در قسمت‌های مرکزی و شرقی ایران به سبب کمبود منابع آب، ترکیبی از کشاورزی و دامداری معیشتی محدود در کنار صنایع دستی خانگی، روابط و مناسبات اقتصادی مسلط را شکل بخشید. استقرارگاه‌های انسانی این ناحیه، مرکب از روستاهای دور از هم، کم جمعیت و نسبتاً خودکفا، و معدود شهرهای کم جمعیت با کارکرد و نقش عمدتاً اداری - سیاسی و انتظامی بودند. اما کانون‌های زیست روستایی و شهری در نواحی خوزستان و سواد به دلیل وفور منابع آب و حاصل‌خیزی خاک، از حیث سطح تولید، پیشرفتگی ابزار تولید، وسعت و پراکندگی، تراکم و ترکیب جمعیت و کارکرد به مراتب وضعیت متفاوت‌تری داشتند. موقعیت جغرافیایی و ارتباطی مناسب ایران در اتصال مراکز تمدنی موجود در جهان آن روز، سبب شد تا تجارت بین‌الملل مسیرهای خود را در ایران جست و جو کند. این پدیده، صورت‌بندی اقتصادی - اجتماعی جامعه ایرانی و به ویژه سرزمین‌هایی را که این مسیرها از آن عبور می‌کردند

۴۷. منابع عربی اسلامی مکرر به وجود و رونق مراکز نساجی و بافندگی در شهرهای خوزستان اشاره دارند که پیشینه آن به دوره ساسانی باز می‌گردد. مسعودی اشاره مستقیم به نقش اسیران رومی در بسط و توسعه صنایع بافندگی دارد: « پس از آن شاپور بدیار جزیره آمد و به دیگر دیار روم حمله برد و مردم بسیار از آنجا بیاورد و در شوش و شوشتر و دیگر شهرهای ولایت اهواز اقامت داد که توالد کردند و در آن دیار سکونت گرفتند و از آن هنگام بشوشتر دیبای شوشتری و انواع حریر و به شوش خز و بدیار نصیبین پرده و فرش بافتند و معمول شد که هنوز هم هست» (مسعودی، ج ۱، ص ۲۵۴)؛ پیگولوسکایا نیز گسترش صنایع کارگاهی در خوزستان را مربوط به سده‌های ۳ و ۴ م. می‌داند (ن. و. پیگولوسکایا، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت الله رضا (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷)، ص ۳۲۴). گویا بیشتر این کارگاه‌ها در مالکیت شاه و کارگزاران حکومتی بوده‌اند، زیرا کارگران شاغل در آن‌ها بنده و خدمت‌گزار شاه تلقی می‌شدند، اما به موازات آن کارگاه‌های پیشه‌وران شهری نیز پا گرفت (همان، ص ۳۵۵). ساسانیان به واسطه رقابت بازرگانی و تولیدی با کارگاه‌های چینی و سوری - فینیقی اشتیاق و افروزی به تأسیس کارگاه‌های شاهی در شوش، جندی شاپور و شوشتر از خود نشان دادند (دریایی، ص ۱۰۷).

تحت تأثیر خود قرار داد و علاوه بر گسترش فضای کالبدی شهرها، اقتصاد و جامعه شهری را نیز دستخوش تغییر و تحول کرد. شهرهای واقع بر راه‌های بازرگانی رشد محسوسی یافتند و برخی سکونتگاه‌های روستایی و ایستگاه‌های کاروانی مستقر که بر سر این راه‌ها قرار داشتند تبدیل به شهر شدند. مسیرهای آبی بازرگانی بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفت. تمایل زیاد شاهان ساسانی جهت ساخت شهر - بندرهای متعدد در سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس^{۴۸} بیان‌کننده علائق نیرومند اقتصادی آنان برای کسب درآمد بازرگانی خارجی در مسیرهای آبی است. به نظر می‌آید کارکرد اداری - سیاسی این گونه شهرها بسیار ضعیف و ناچیز بوده است، اما در حوزه اقتصادی نقش فعالی ایفا کرده‌اند و در مقام ایستگاه‌های گمرکی^{۴۹} سهم بسزایی در تحصیل عوارض برای حکومت داشته‌اند.

توسعه روابط بازرگانی و رشد مناسبات اقتصادی به گسترش مراکز مبادله و فروش کالا و ظهور فضای مهمی چون بازار در کالبد استقرارگاه‌های انسانی انجامید. اگر چه بازار پیشینه کهنی در تاریخ ایران دارد، اما در دوره ساسانی بازار به عنوان عنصری در سازمان فضایی شهر ظاهر شد. شواهد و مستندات موثقی این موضوع را تأیید می‌کند. نقل است که اردشیر بابکان شهر هرمزد اردشیر را در خوزستان بر کرانه رود کارون در دو قسمت بنا کرد. یک قسمت ویژه سکونت بزرگان و اشراف و قسمت دیگر موسوم به «هوجستان واجار»^{۵۰} (به معنای بازار خوزستان)، مخصوص استقرار بازاریان بود. قسمت دوم بعد از فتح به دست مسلمانان، سوق الاهواز نام گرفت. بهرام گور نیز تأسیس دیه مملجان (در دوره اسلامی تبدیل به شهر قم شد) را با بنای آتشکده و بازار شروع کرد.^{۵۱} کالبد بازار اغلب در اطراف دروازه‌های شهر و در امتداد مسیرهای ورودی به شارستان و در درون شار بیرونی قرار داشت. از بازارهای سالانه و یا بازارهایی که با فاصله زمانی کمتر مانند هفته بازار در نزدیکی

۴۸. علاوه بر اشاره مستقیم منابع به احداث بنداری در سواحل خلیج فارس توسط شاهان ساسانی (کارنامه اردشیر بابکان، ص ۴۷؛ دینوری، ص ۷۲؛ گردیزی، ص ۶۵؛ ابن فقیه، ص ۱۲)، منابع عربی - اسلامی هنگام شرح فتوح مسلمانان در نواحی ساحلی خلیج فارس، از بنادر آباد و فعالی مانند ابله در جنوب بصره کنونی، ری شهر، مهرویان (ماهی رویان)، سیراف، سینیز، جنبه (گننه یا گناوه) بر سواحل شمالی خلیج فارس و جواتا در بحرین یاد کرده‌اند؛ احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، بخش مربوط به ایران، ترجمه آذرتاش آذرنوش (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶)، ص ۹۶، ۲۶۰ - ۲۵۹، ۲۶۳ - ۲۶۲؛ محمد بن علی ابن اعثم کوفی، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶)، ص ۵۰؛ ابن بلخی، ص ۲۷۱.

۴۹. یکی از این بنادر ریو اردشیر یا ریشهر (حوالی بوشهر کنونی) بود که ری شهر پُرسان به معنای ایستگاه گمرک خوانده می‌شد و مرکزی برای انبار کالاهای وارداتی و صادراتی از جمله مروارید بود (مارکوارت، ص ۴۶).

۵۰. اصفهانی، ص ۱۳۶۷، ص ۴۵؛ مجمل التواریخ و القصص، به کوشش محمد تقی بهار (تهران: بی‌نا، ۱۳۱۸)، ص ۶۲ - ۶۱.

۵۱. حسن بن محمد بن حسن قمی، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی، به کوشش سید جلال الدین

تهرانی (تهران: توس، ۱۳۶۱)، ص ۲۴.

شهرهای مهم و یا در مرکز نقاط روستایی پرجمعیت برپا می‌شدند نیز آگاهی‌هایی در دست است؛ بازار بغداد^{۵۲} در حومه تیسفون و بازار خنافس^{۵۳} در نزدیکی انبار از آن جمله هستند. با وجود قلت اطلاعات، بازسازی سازمان فضایی بازار در دوره ساسانی بسیار دشوار است. اما بر اساس اخبار جسته و گریخته و نیز قیاس به قرینه‌های موجود در دوران اسلامی، شاید بتوان تصویری کلی از نظم فضایی بازار در آن دوره ارائه کرد. اشاره فصل سی و هشتم از کتاب دینکرت بر گونه‌ای از نظم و قواعد خاص در قالب استقرار دکان‌های هر پیشه و حرفه در یک راسته دلالت دارد.^{۵۴} این که در تیسفون بازاری مخصوص کاه‌فروشان و در آمد بازاری خاص محصولات کشاورزی^{۵۵} وجود داشته، اشاره به انتظام بازار بر اساس نظام رده‌بندی صنفی است.^{۵۶} اصطلاح «وازارید» به عنوان رئیس بازار در کتیبه کعبه زرتشت^{۵۷} نیز از وجود تشکیلات صنفی در بازار خبر می‌دهد. با وجود این، نگرش نه‌چندان مثبت آئین زرتشتی به تجارت و پیشه‌وری، موجب شده بود که پیروان این دین به این نوع فعالیت‌ها توجه کمتری نشان دهند و اقلیت‌ها دینی به ویژه اتباع مسیحی و یهودی شاهنشاهی ساسانی سر رشته‌دار این مشاغل باشند.

نتیجه‌گیری

شهر و شهرنشینی در دوره ساسانیان هماهنگ و منطبق با ساختار، الزامات و اقتضات سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی حاکم بر جامعه ایرانی تحول و تکامل یافت. مفهوم منطقه‌ای شهر ایرانی و هم‌زیستی سه شیوه زیست و تولید شهری، روستایی و ایلی استمرار پیدا کرد. شهر ساسانی به نسبت گذشته با حوزه سیاسی و نظامی و به تعبیری حکومت مرکزی وابستگی و پیوستگی عمیق‌تری یافت. شهرها بیش از گذشته به مراکز قدرت نظامی و سیاسی و دیوانی تبدیل شدند

۵۲. بازرگانان تیسفون و سرتاسر سواد سالی یک بار در جایی به نام بغداد که بعدها شهر بغداد در آن‌جا بنا گردید، گرد هم می‌آمدند و کالاهای خود را به فروش می‌رساندند (طبری، ج ۴، ص ۱۶۲۵ - ۱۶۲۴). این بازار از چنان اهمیتی برای ایرانیان برخوردار بود که پس از غارت آن از سوی سپاهیان مسلمان به فرماندهی مثنی بن حارث شیبانی، رستم فرخزاد و فیروزان فرماندهان ارشد سپاه ساسانی مورد سرزنش و تهدید قرار گرفتند (همان‌جا).

۵۳. همان، ج ۴، ص ۱۶۲۵.

۵۴. دریایی، ص ۱۱۱.

۵۵. پیگولوسکایا، ص ۳۵۶.

۵۶. احمد تفضلی فهرستی از پیشه‌های گوناگون که هر یک راسته‌ای از بازار را به خود اختصاص داده بودند ارائه کرده است.

نک: احمد تفضلی، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام (تهران: سخن، ۱۳۷۶)، ص ۱۹۶ - ۱۹۳.

۵۷. همان، ص ۱۸۸.

و کارگزاران حکومتی و وابستگان و خدمتگزاران آنان مهم‌ترین بخش جامعه شهری را تشکیل می‌دادند که به نمایندگی از سوی حکومت مرکزی بر شهر و نواحی پیرامون آن اعمال نظارت و سلطه می‌کردند. علاوه بر این آرایش، ترکیب و کارکرد جامعه شهری و بالطبع کالبد شهر ساسانی تحت تأثیر جهان‌بینی، آموزه‌های دینی و آرمان‌های اجتماعی ایرانیان نیز قرار داشت.

سیاست دراز مدت ساسانیان در انتقال اسیران رومی و شهرنشینان سوریبی به داخل ایران، افزون بر تغییراتی که در ترکیب جمعیت شهرنشین و بافت فرهنگی آن ایجاد کرد، موجب تحول و دگرگونی اقتصاد شهری نیز شد و صورت‌بندی اجتماعی - اقتصادی جدیدی را در سرزمین‌هایی که پذیرای جمعیت شهری مهاجر بود عرضه کرد.

نکته مهم و مورد تأمل در تاریخ شهر و شهرنشینی عصر ساسانی، ناهمسانی و تفاوت‌های چشمگیر در توزیع و تراکم جغرافیایی شهرها و جمعیت شهری و ترکیب ناهمگون آن و نیز سطوح متفاوت تکامل مناسبات شهری در مناطق مختلف است. در سرزمین‌ها و نواحی‌ای مانند سواد، خوزستان و فارس که به طور مستقیم و مستمر تحت نظارت و سلطه حکومت مرکزی بودند، زندگی شهری رونق محسوسی داشت و جامعه شهری از جوشش و سرزندگی بیشتری برخوردار بود.

کتابنامه

- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی. *الفتوح*. ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی. به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
- ابن بلخی. *فارسنامه*. تصحیح منصور رستگار فسایی. شیراز: بنیاد فارس شناسی، ۱۳۷۴.
- ابن فقیه، احمد بن محمد بن اسحاق همدانی. *البلدان*. ترجمه مختصر *البلدان*. ترجمه ح. مسعود. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- اشرف، احمد. «نگرشی در تحول شالوده‌های نظام طبقاتی از دوره ساسانی به دوره اسلامی». *مجله آرش*. س ۵. ش ۴. تیر ۱۳۶۰. ص ۸۶ - ۶۱.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، مسالک و ممالک. به اهتمام ایرج افشار. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
- اصفهانی، ابونعیم احمد بن عبدالله. *ذکر اخبار اصفهان*. ج ۱. ترجمه نورالله کسایی. تهران: سروش، ۱۳۷۷.
- اصفهانی، حمزه. *تاریخ پیامبران و شاهان (تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء)*. ترجمه جعفر شعار. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- اندرزنامه‌های پهلوی*: «اندرز آذرباد مهراسپندان و اندرز خسرو قبادان». ترجمه موید اردشیر آذرگشسب (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا).
- باستانی راد، حسن. «واژه‌شناسی تاریخی شهر در ایران». *فصلنامه علمی - پژوهشی فرهنگ*، شماره ۷۲،

زمستان ۱۳۸۸، ص ۵۶ - ۱۹.

بلاذری، احمد بن یحیی. *فتوح البلدان*. بخش مربوط به ایران. ترجمه آذرتاش آذرنوش. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.

پاکزاد، جهان‌شاه. «بررسی تطبیقی شهرهای ایرانی و اروپایی برای ریشه‌یابی موانع تاریخی مشارکت مدنی». *فصلنامه علمی - پژوهشی صفه*. س ۱۳. ش ۳۷. پاییز و زمستان ۱۳۸۳. ص ۴۱ - ۲۵. پیگولوسکایا، ن.و. *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*. ترجمه عنایت الله رضا. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

تفضلی، احمد. *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. تهران، سخن، ۱۳۷۶. حبیبی، محسن. *از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.

دریایی، تورج. *شاهنشاهی ساسانی*. تهران: ققنوس، ۱۳۸۷.

دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود. *اخبار الطوال*. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نی، ۱۳۶۶. شهرستانهای ایران شهر. ترجمه فارسی و یادداشت‌ها از تورج دریایی و شهرام جلیلیان. تهران: توس، ۱۳۸۸. طبری، محمد بن جریر. *تاریخ طبری*. ج ۲ و ۴. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر، ۱۳۷۵. عهد اردشیر. پژوهنده عربی احسان عباس. ترجمه فارسی محمدعلی امام شوشتری. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸.

فکوهی، ناصر. *انسان‌شناسی شهری*. تهران: نی، ۱۳۸۷.

قمی، حسن بن محمد بن حسن. *تاریخ قم*. ترجمه حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی. به کوشش سید جلال الدین تهرانی. تهران: توس، ۱۳۶۱.

کارنامه اردشیر بابکان. ترجمه بهرام فره‌وشی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶. کاستللو، وینسنت فرانسیس. *شهر و شهرنشینی در خاورمیانه*. ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی. تهران: نی، ۱۳۶۸.

کریستن سن، آرتور. *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: آوای عشق، ۱۳۸۸. کولسنیکف، آ. ای. *ایران در آستانه یورش تازیان*. پیراستار ن. و. پیگولفسکایا. ترجمه محمدرقی یحیایی. تهران: آگاه، ۱۳۵۵.

گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک. *تاریخ گردیزی*. به تصحیح عبدالحی حبیبی. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.

مارکوارت، یوزف. *ایران شهر در جغرافیای بطلمیوس*. ترجمه مریم میراحمدی. تهران: طهوری، ۱۳۸۳. *مجمعل التواریخ والقصص*. به کوشش محمد تقی بهار. تهران: بی‌نا، ۱۳۱۸.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. *مروج الذهب*. ج ۱. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

مسکویه، احمد بن محمد. *تجارب الامم*. ج ۱. ترجمه ابوالقاسم امامی. تهران: سروش، ۱۳۶۹.

- مقدسی، مطهر بن طاهر. آفرینش و تاریخ. ج ۱. ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه، ۱۳۷۴.
- مینوی خرد. ترجمه احمد تفضلی. تهران: توس، ۱۳۶۴.
- ناصرالدین منشی کرمانی. *سمط العلی للحضرة العلیا*. به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی. تهران: اساطیر، ۱۳۶۲.
- نامه تنسر به گشنسب. به تصحیح مجتبی مینوی. گردآورنده تعلیقات مجتبی مینوی و محمد اسماعیل رضوانی. تهران: خوارزمی، ۱۳۵۴.
- نولدکه، تئودور. *تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان*. ترجمه عباس زریاب خویی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۸.
- ورجاوند، پرویز. «شهرسازی و شهرنشینی در ایران». *شهرهای ایران*. ج ۴. به کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۰.
- هرودوت. *تاریخ هرودت*. ج ۱. ترجمه، مقدمه، توضیحات و حواشی هادی هدایتی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.
- یارشاطر، احسان. «پیشگفتار». *تاریخ ایران پژوهش دانشگاه کمبریج*. ج ۳. قسمت اول. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳. ص ۱۰۰ - ۹.
- یاقوت حموی، ابوعبدالله. *معجم البلدان*. ج ۲. ترجمه علی نقی منزوی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۳.
- یوسفی فر، شهرام. «تأملاتی در مقوله شکل شهر و مناسبات شهرنشینی در سده‌های میانه تاریخ ایران». *فصلنامه علمی - پژوهشی فرهنگ*. ش ۵۶. زمستان ۱۳۸۴. ص ۲۶۱ - ۲۱۷.